

ابوطالب یا فرخ خان امین الدوله غفاری

رجال دوره قاجاریه

(۲)

فرخ خان غفاری در زمان سلطنت محمدشاه بسرعت مدارج ترقی و تعالی را پیمود و رفته رفته مورد توجه مخصوص مقام سلطنت قرار گرفت . در مواقعی که حکام ایالات و ولایات از حدود خود تخطی و به مردم اجحاف و تعدی میکردند فرخ خان که مورد اعتماد کامل محمدشاه بود مأمور رسیدگی میکردید. او هم پس از صدور حکم به عجله به محل مأموریت میرفت و بعد از تحقیقات کامل شرح ماوقع را بعرض شاه میرسانید. محمدشاه نیز فوراً به گزارش وی ترتیب اثر میداد و پیشنهادات ویرا مطابق النعل بالنعل بموقع اجرا میگذاشت.

محمد شاه بسال ۱۲۵۲ هـ . ق بعزم تدبیر و سرکوبی ترکمانان یموت و گوکلان طهران را ترك گفت و پس از ورود بدولت آباد دامغان اطلاع یافت که مردم ساری از جور و بیداد کماشنگان فضلعلیخان قراباغی حاکم مازندران بستوه آمده و علیه او قیام و شورش بزرگی برپا کرده اند و فضلعلیخان درارک ساری محصور گردیده است. شاه پس از اصغای این مطلب فرخ خان غفاری کاشانی پیشخدمت خاصه را که

۱- تاریخ قاجاریه میرزا محمدتقی سپهر لسان الملک چاپ امیر کبیر جلد دوم ص ۴۳

۲- منتظم ناصری تألیف محمد حسنخان اعتماد السلطنه جلد سوم ص ۱۶۶

مردی کردان و با حصافت عقل و اصابت رأی بود مأموریت داد تا بهماز ندران عزیمت و حقیقت امر را کشف کرده نتیجه تحقیقات راضمن نظر خود بعرض برساند. فرخ خان شتابان روانه ساری گردید و پس از ورود اطلاع حاصل کرد که هفت نفر از اهالی شهر بدست مأمورین حکومتی بقتل رسیده و کار شورش و غوغا بالا گرفته و ماده فساد غلیظ شده است. او با مشاهده این وضع صلاح در این دید که به سرای یکنفر از اهالی ساری که جانب بیطرفی را رعایت میکند و از پیروزی هیچیک از طرفین شاکی و متشکی طرفی نمی بندد فرود آید و سپس با سر پنجه تدبیر گره مشکل کار را بگشاید تا اغتشاش و آشوب مرتفع و نظم و آراش اعاده و مستقر شود.

فرخ خان شبانگاه محرمانه چندتن از سران جماعت کرد و ترك را که از زمان آقا محمدخان در مازندران نشیمن گرفته و مأمور اجرای اوامر و نواهی حکام محل بودند احضار و آنان را از زدو خورد و مبارزه با مردم شهر بر حذر ساخت، حسن محاوره و بیانات مستدل و منطقی او ریش سفیدان کرد و ترك را قانع و در ضمن متوجه ساخت که خونریزی و کشتار جز ایجاد کینه و نفرت نتیجه دیگری نخواهد داشت و صلاح در این است که دست از ستیزه جوئی بردارند و بیش از این مردم شهر را نیازارند. جماعت ناهبرده به توصیه فرخ خان از گرد ارک شهر پراکنده شدند و صبحگاهان که فضلعلیخان دیده از خواب گشود خود را بیکه و تنها دید و ناچار از در مسالمت درآمد. فرخ خان بیدرنگ او را تحت الحفظ بمرکز فرستاد و ضمناً جریان امر را به تفصیل بعرض رسانید، حسب الامر محمدشاه قرار شد که فرخ خان شخصاً به رتق و فتق امور پردازد تا حاکم جدید مازندران تعیین و وارد محل مأموریت شود. ۱ فرخ خان که مردی پخته و کار آزموده بود در فاصله کوتاهی نظم و امنیت را در شهر برقرار و دست فتنه انگیزان را کوتاه کرد و پس از ورود اردشیر میرزا حکمران جدید روانه پایتخت شد. ۲

۱- تاریخ قاجاریه سپهر جلد دوم ص ۴۶

۲- ایضاً ص ۴۸ سپهر مینویسد: «اردشیر میرزا برادر کهنتر شاهنشاه غازی در

علوم عربیه و فنون ادبیه و آداب رزم و بزم هنری به کمال داشت.»

فضلعلیخان در غائله مازندران آنقدرها تقصیر نداشت و فقط سهل انگاری و سوء تدبیر او بود که موجب شد کار بدست رجاله و عوام الناس بیفتد. فرخ خان هم با توجه بهمین حقیقت مسلم در اولین فرصت چنانکه بعد خواهیم گفت موجبات ترضیه خاطر او را فراهم ساخت اما در آن تاریخ مقتضی چنان دانست که از نظر حفظ مصالح کشور فضلعلیخان را از مازندران روانه طهران کند تا نایره فساد خاموش و دست آشوب طلبان از کار کوتاه شود.

محمدشاه در اوایل سال ۱۲۵۴ عازم هرات شد و همان روزیکه قصد حرکت داشت خبر رسید که جمعی از اجامر و اوباش اصفهان نظم عمومی را بهم زده و عمارت هفت دست یعنی مقر حکومت و محل نشیمن خسروخان گرجی حاکم شهر را محاصره کرده اند. شاه بیدرنگ فرخ خان را با اختیارات تام به اصفهان فرستاد و به او مأموریت داد که هر چه زودتر غایله را فیصله دهد. اصفهان او آخر سلطنت فتحعلیشاه همواره در معرض فتنه و غوغا بود و جمعی از آشوب طلبان بتحریک متنفذین محلی پیوسته شورش و بلوا می کردند. در زمان تصدی خسروخان گرجی مالکین لنجان از پرداخت مالیات و منال دیوان سرباز زدند و والی اصفهان چنین پنداشت که محرک این پیش آمد محمد ابراهیم درجه ای یکی از کدخدایان لنجان است. کدخدای نامبرده به دستور والی به زندان افتاد و سر انجام در کنج بازداشتگاه به مرگ طبیعی یا در اثر شکنجه و آزار چهره در نقاب خاک کشید. متنفذین محل که منتظر فرصتی مناسب بودند بدستاویز این واقعه اذهان عمومی را مشوب کردند تا نظم و امنیت مختل و وضع شهر مغشوش شود و خود از آب گل آلود ماهی بگیرند.

چند روز بعد از شیوع خبر در گذشت کدخدای لنجان، یکی از سرشناسان نجف آباد به نام آقاشفیع به حکم والی شهر دستگیر و زندانی شد. خویشاوندان وی که همه از معاریف محل بودند از بازداشت او به وحشت افتادند و با خود گفتند که بی گمان آقاشفیع نیز به سر نوشت شوم محمد ابراهیم درجه ای دچار خواهد شد. چند تن از بزرگان شهر و معتمدین محل از آقا شفیع نجف آبادی وساطت و از والی تقاضا کردند

که او را از زندان آزاد کند . والی به درخواست آنان ترتیب اثر نداد و حتی به توصیه کتبی میر محمد مهدی امام جمعه اصفهان هم وقعی ننهاد بلکه به قید و بند آقا شفیع یفزود این وضع باعث شد که تحریکات مفسدین قوم مؤثر و راه برای اغتشاش و بی نظمی هموار شود و مأمورین دولت و اخلا لکگران و غوغا طلبان با اسلحه گرم بجان هم بیفتند .

عباسقلی خان توپچی باشی از طرف والی و آقا محمد علی مذهب از طرف امام جمعه نامور چه خورت از فرخ خان استقبال کردند و هریک اصرار داشتند که از بازرس نام الاختیار دولت در منزل خود پذیرائی بعمل آورند . فرخ خان به دروازه شهر که رسید جمع کثیری از مردم اصفهان از وی پیشواز و در ضمن تقاضا کردند که به منزل امام جمعه وارد شود . فرخ خان به تقاضای این جمع روی موافق نشان نداد و از اجرای درخواست نماینده والی نیز امتناع ورزید و منزل مستقل و جداگانه ای برای خود انتخاب کرد تا تحت تأثیر گفته های موافق و مخالف قرار نگیرد و وضع را با کمال بیطرفی رسیدگی کند . فرخ خان پس از چند روز تحقیق چنین تشخیص داد که با پیش آمد اخیر آبرویی برای والی شهر باقی نمانده و حیثیت و اعتبار او بر باد رفته و صلاح در این است که خسروخان به مرکز احضار و دیگری به حکمرانی اصفهان منصوب شود . دولت طبق پیشنهاد فرخ خان غفاری خسروخان گرجی را احضار و چندی بعد فضلعلی خان قراباغی را به حکمرانی اصفهان انتخاب کرد . از قراین و امارات چنین استنباط میشود که انتصاب فضلعلی خان حاکم سابق مازندران بنا به پیشنهاد فرخ خان و به جبران برکناری او از حکومت محل سابق الذکر بوده است . فرخ خان تا چهار ماه بعد از ورود والی جدید در اصفهان توقف کرد و پس از رسیدگی به دفاتر محاسباتی و تصفیة امور مالیاتی و همچنین تهیه و تدارک «ادوات و آلات مرصع به آلای» که به او دستور داده شده بود روانه هرات گشت و رضاقلی خان هدایت مینویسد : «در همین ایام فرخ خان پیشخدمت خاصه و صندوقدار جنسی با قطار قطار از هرات گشته و بار به اردوی اعلی رسید.»^۲

۱ - تاریخ قاجار به سپهر صفحات ۶۸ و ۶۹

۲ - روضة الصفاى ناصرى چاپ خيام جلد دهم ص ۲۳۵

محمدشاه در جنگ هرات معمولاً چندتن از محارم درباری و کسانی را که کاملاً مورد اعتماد او بودند برای بازرسی و نظارت در عملیات صاحب‌منصبان قشون به‌سنگرهای مختلف میفرستاد. او این مأموریت را بیشتر اوقات به افراد خانواده سلطنتی و شاهزادگان قاجاریه از قبیل محمدرضا میرزا و سلطان محمد میرزا سیف‌الدوله و علی قلی میرزا (بعدها اعتضاد السلطنه) پسرهای فتح‌علی شاه محول می‌کرد و از میان رجال درباری فقط فرخ خان غفاری و حسین علی خان معیر الممالک را تالی شاهزادگان قاجار قرار میداد و این نکته را دلیل اعتماد کامل محمدشاه آخرین خان غفاری تلقی باید کرد. رونوشت دستخط محمدشاه به حسین علی خان معیر الممالک ذیلاً برای اطلاع درج می‌گردد:

هو

«معیر الممالک برو به سنگر امیر تومان که در دروازه قندهار هستند شاهد باش^۱»
فرخ خان و دوست علی خان هر دو مأمور نظارت در اردوی دروازه قندهار بوده‌اند.

سپهر مینویسد:

«فرخ خان غفاری پیشخدمت خاصه که به‌صدق لهجه معروف بود مأمور آمد که در این رزمگاه نگران باشد و لشکر را به یورش تعریض کند و جبن و جلادت هر کس را معروض دارد»^۲

میرزا محمد تقی لسان‌الملک سپهر شرح عملیات جنگی اردوی محمدشاه را هنگام محاصره هرات از فرخ خان کاشانی هم‌شهری خود شنیده و به استناد اظهارات او وقایع این کارزار خونین را جمع‌آوری و تدوین کرده است.^۳ جنگ دروازه قندهار از پیکارهای شدید محاصره هرات بود و پس از تلاقی فتنین جمع‌کثیری از طرفین کشته شدند و فرخ خان فی‌الفور حضور شاه شرفیاب گردید تا لشکریان آن دروازه را مددی

پرساند.^۴

نا تمام

۱ - رجوع کنید به شماره نهم سال هشتم مجله یغما مقاله جناب آقای دوست‌علی خان معیر الممالک. حسین علی خان معیر الممالک نیای جناب آقای خان معیر است و عین دستخط محمدشاه هم‌اکنون در اختیار ایشان میباشد.

۲ - تاریخ قاجاریه سپهر جلد دوم ص ۸۱ و ص ۸۴

۳ - همان کتاب ص ۸۵ - ۴ - ایضاً ص ۸۷